



۴۰/۶/۱

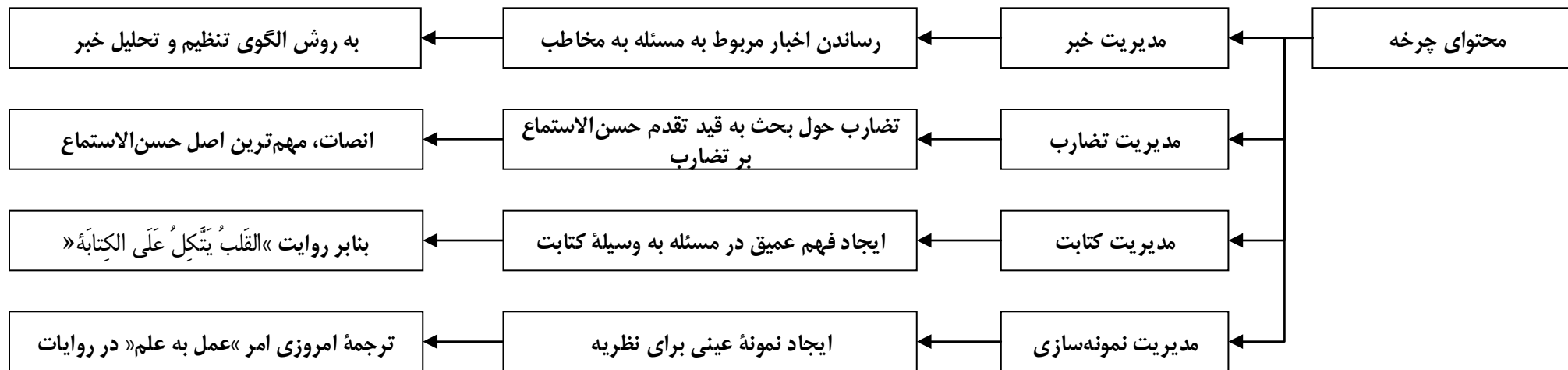
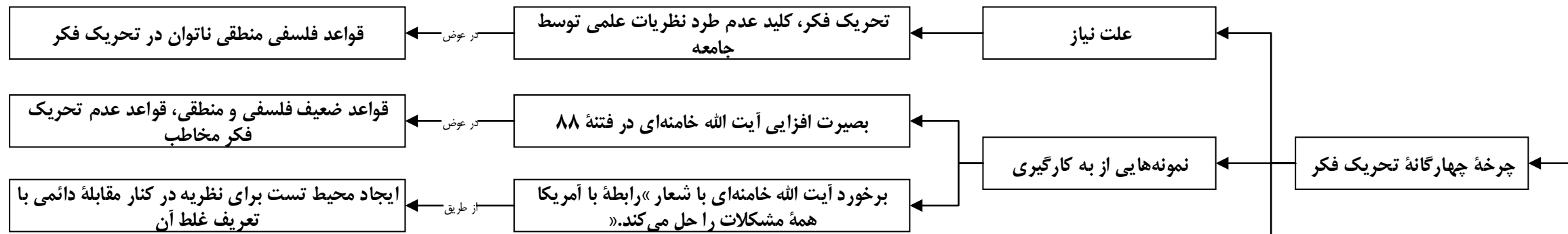
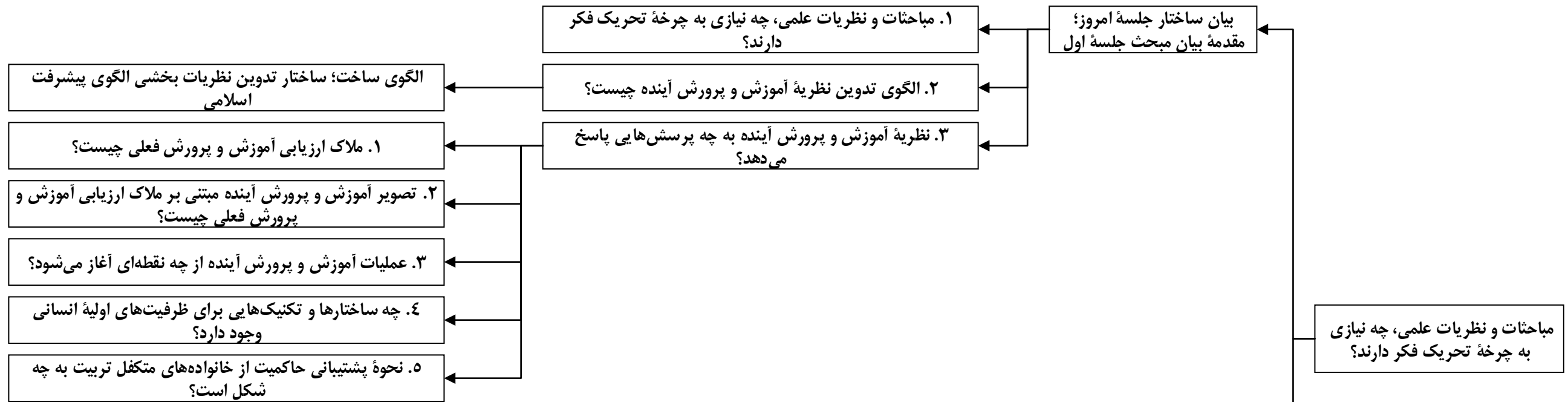
نشست تخصصی تبیین نظریه

آموزش و پرورش آینده

محورهای نشست

۱. مباحثات نشست آموزش و پرورش آینده در پاسخ به چه مسائلی مطرح می‌شوند؟
۲. مباحثات و نظریات علمی چه نیازی به چرخه چهارگانه تحریک فکر دارند؟

تبیین نظریه آموزش و پرورش آینده



شناسنامه:

جزوه پیش‌رو متن پیاده‌شده سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) است که در تاریخ ۲۷ مردادماه ۱۳۹۸ در مسجد مقدس جمکران در جمع برخی از نخبگان جوان فعال در حوزه آموزش و پرورش برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود جزوه و نمودار آن به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست مطالب

۱. مباحثات این نشست در پاسخ به چه مسائلی مطرح می‌شوند؟
۲. مباحثات و نظریات علمی چه نیازی به چرخه چهارگانه تحریک فکر دارند؟
۳.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ. الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و شفیعنا فی یوم الجزاء ابی القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مباحثات این نشست در پاسخ به چه مسائلی مطرح می‌شوند؟

خدمت همه برادران محترم خیر مقدم عرض می‌کنم. همانطور که به استحضار رسیده، قرار است که در نشست امروز نظریه آموزش و پرورش آینده را که یکی از صد نظریه مطرح در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی^۱ است را خدمت دوستان تشریح کنیم. اگر اطلاع رسانی دقیقی صورت گرفته باشد، عبارت نشست یک جمله تکمیلی نیز داشت و آن عبارت از این بود که در مورد آموزش و پرورش آینده در فضای چرخه چهاربخشی تحریک فکر گفتگو می‌کنیم. در این مسئله تعمدی نیز بود که ان شاء الله راجع به آن صحبت می‌کنم. با این عنوان در مجموع بنده تا پایان وقت امروز سه مطلب را خدمت دوستان بحث خواهم کرد و ان شاء الله بعد از بحث در این سه مورد، درک روشن‌تری از آینده آموزش و پرورش در ذهن‌ها شکل خواهد گرفت. بحث اولی که محضر دوستان مطرح خواهد کرد، بحث چرخه چهاربخشی تحریک فکر است که آن را توضیح می‌دهم و شرح خواهم داد که به چه دلیل ما باید تمام مباحثاتمان را در این چرخه چهاربخشی مطرح کنیم.

بحث دیگری که امروز محضر شما شرح خواهم داد، الگوی تدوین نظریه آموزش و پرورش آینده است که موسوم به الگوی ساخت است. مختصری نیز راجع به الگوی ساخت بحث خواهم کرد. البته الگوی ساخت فقط در تدوین نظریه آموزش و پرورش آینده به کار گرفته نشده بلکه چهارچوب تدوین همه نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی، چهارچوب الگوی

۱- در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی با نگاهی فقهی و غیر اقتصاسی از الگوهای معیوب و ناکارآمد غربی به بیش از ۱۰۰ مسئله در حوزه‌های مختلف معیشتی، تربیتی، پیش‌گیری از جرم، قانون‌گذاری، سیاسی، معرفت‌شناسی، پولی و مالی، کشاورزی، طب، شاخص‌های ارزیابی جامعه، محرومیت‌زدائی، مدیریت شهری، برنامه‌ریزی، بودجه، ساخت‌یابی، الگوی تخصیص تکنولوژی، الگوی مطالعات تاریخی، الگوی جدید نخبه‌بانی از نظام، الگوی تنظیم و تحلیل خبر و... پاسخ گفته‌ایم.

ساخت است. الگوی ساخت در واقع جایگزینی برای مدل‌های آینده پژوهی و ماتریس SWOT^۲ است و کمک می‌کند که نوع برنامه ریزی‌های ما قدری فقهی‌تر شده و دقیق‌تر اتفاق بیفتد.

در بخش اصلی جلسه نیز در پنج بخش نظریه آموزش و پرورش آینده را بحث خواهیم کرد. نظریه آموزش و پرورش آینده دارای پنج پرسش اساسی است که در قالب بررسی این پرسش‌ها و پاسخی که به آنها داده می‌شود، این نظریه در اذهان شکل می‌گیرد؛ پرسش اول عبارت از بررسی ملاک ارزیابی آموزش و پرورش فعلی است. تقریباً نقد به آموزش و پرورش فعلی یک مسئله عام البلوا و عمومی است ولی ما با زاویه دید فقه هدایت آموزش و پرورش فعلی را ارزیابی کرده‌ایم. این سؤال اول است که در واقع یک ملاک ارزیابی است که کمک می‌کند نسبت به وضعیت وخیم فعلی دقیق‌تر اشراف پیدا کنیم.

در پرسش دوم با همین ملاک آموزش و پرورش آینده را به نحو اجمالی تصویر می‌کنیم و یک افق روشن‌تری را راجع به سند تحول آموزش و پرورش^۳ راجع به آینده آموزش و پرورش تعریف می‌کنیم. اگرچه سند تحول در آموزش و پرورش نیز دارای مزیت‌هایی است که اگر وقتی که در اختیار داریم اقتضا کرد به آن مزیت‌ها خواهیم پرداخت.

پرسش سومی که در نظریه آموزش و پرورش آینده مطرح است این است که ما روی چه نقطه‌ای تمرکز پیدا کنیم تا عملیات آموزش و پرورش آینده شروع شود. این نیز یک بحث است که ما در مباحثات عرض کرده‌ایم که باید ظرفیت‌های انسانی را ارتقاء دهیم و اساساً در نظریه آموزش و پرورش آینده، محور مباحثات ارتقای ظرفیت‌های انسانی است.

در محور چهارم، ساختار و تکنیک‌های ارتقای ظرفیت‌های اولیه انسانی را مباحثه می‌کنیم که اگر بنا شد ما ظرفیت‌های اولیه انسانی را ارتقاء دهیم، آیا می‌توانیم این کار را در چهارچوب یک سیستم آموزشی و موسسه آموزشی و مسجد مدرسه‌ها انجام دهیم؟ یا بنابر آنچه که استدلال خواهیم کرد، اگر بنا بود که ظرفیت‌های اولیه انسانی ارتقاء پیدا کند، نهاد اصلی تربیت، نهاد خانواده می‌شود. لذا در آینده ما به دنبال خانواده‌های متکفل تربیت و آموزش هستیم و این شاء الله این موضوع را در محور چهارم بحث می‌کنم.

در نهایت در محور پایانی نظریه آموزش و پرورش آینده این سؤال مطرح است که حاکمیت، چطور می‌تواند خانواده‌های متکفل تربیت و آموزش را لجستیک کند؟ آیا نحوه پشتیبانی حاکمیت از خانواده‌های متکفل تربیت به همین شکل فعلی است؛ یعنی در آینده انقلاب اسلامی ما یک سیستم آموزشی به این عرض و طولی که الآن هست خواهیم داشت و یا نحوه حاکمیت بافت دیگری پیدا خواهد کرد که سعی می‌کنم آن را نیز تشریح کنم. در مجموع این پنج پرسش، محورهای اصلی نظریه آموزش و پرورش آینده است که در واقع بخش اصلی مباحثات امروز را به خود اختصاص خواهد داد.

۲- مدل SWOT یکی از ماتریس‌های بررسی محیط داخلی سازمان برای شناسایی نقاط ضعف و قوت آن است. در این ماتریس چهار مفهوم نقطه قوت (S)، نقطه ضعف (W)، فرصت (O)، تهدید (T) مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای اطلاع بیشتر این موضوع به فصول پنجم و ششم کتاب نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک نوشته علی احمدی مراجعه کنید.

۳- طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل‌گیری حلقه‌های کارشناسی-پژوهشی با مشارکت صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های ذیربط، ضمن پابندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم انداز بیست ساله کشور، سند مذکور تدوین و به تصویب این شورا رسید.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ص: ۹، yon.ir/PwTub

قبل از آغاز بحث سخن پایانی بنده نیز این است که ما امروز به دلیل ضیق وقت فقط طرح مسئله می‌کنیم و ان شاء الله اگر توفیق الهی ما را تأیید کند، من بنا دارم ابتدا در یک ده جلسه و بعد نیز در یک چهل جلسه نظریه آموزش و پرورش آینده را تشریح کنم. عمدتاً در آن جلسات استظهارات و روایات و آیات را دقیق‌تر بحث خواهیم کرد و حجیت مسئله و نسبت این نظریه با دین را در آنجا بحث خواهیم کرد و این امری است که الآن در این جلسه اجمالی امکان آن برای ما وجود ندارد. در عین حال پیشنهاد می‌کنم جلسه امروز را -اگر چه بخش پرسش و پاسخ خواهد داشت- دوستان به حسن الاستماع این نظریه اکتفاء کنند و اجازه دهند که این نظریه در ذهن شکل بگیرد و بعداً فرصت نقد و بررسی جدی وجود خواهد داشت. معمولاً -به لحاظ روشی عرض می‌کنم- تضارب قبل از حسن الاستماع منجر به برهم افزایی و عیب‌گیری یک نظریه نخواهد شد. به هر حال این یک پیشنهاد است و دوستان در بخش پرسش و پاسخ به اختیار خودشان حتماً به نحو بهینه عمل می‌کنند. حدس بنده این است که ارائه جلسه در حد نه جلسه چهل تا چهل و پنج دقیقه‌ای طول بکشد و با احتساب پانزده دقیقه مباحثه برای هر بخش، امروز یک روز جدی در مباحثات تمدنی خواهد بود و پیشاپیش از همه دوستان برای این زحمتی که در راستای زمینه سازی ظهور می‌کشند، تشکر می‌کنم.

۲. مباحثات و نظریات علمی چه نیازی به چرخه چهارگانه تحریک فکر دارند؟

من وارد اصل بحث می‌شوم و از محور اصلی‌ای که محضر دوستان عرض کردم موضوع را تشریح می‌کنم. عرض کردیم که همه نظریات بخشی مطرح در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، باید در فضای چرخه چهاربخشی تحریک فکر مطرح شوند. علت این پیشنهاد ما و این تاکید ما این است که ما در نهایت به دنبال اقامه یک نظریه و تحقق آن در جامعه هستیم و معتقدیم که اگر قرار باشد سرنوشت نظریه‌ای تحقق باشد، آن نظریه باید با افکار نخبگان و مردم درگیر شده و به یک موضوع مورد بحث و گفتگو تبدیل شود؛ یعنی اگر صاحبان یک نظریه به اصطلاح ما- نتوانند تحریک و عاء فکر مخاطبشان را محقق کنند و مخاطبین نتوانند به مسئله‌ای فکر کنند، در نهایت آن نظریه محقق نخواهد شد. بنابراین خط قرمز در فقه هدایت و نقشه الگوی پیشرفت اسلامی مسئله تحریک فکر است. بسیار مشاهده شده که انسان‌های عالمی کتاب‌هایی نوشته‌اند و نظریاتی را مطرح کرده‌اند ولی چون این نظریات در افکار مطرح نشده و مورد بحث قرار نگرفته است، آن بحث در گوشه کتابخانه معطل مانده است. بنابراین وقتی ما می‌گوییم که نظریه آموزش و پرورش آینده باید در چرخه چهاربخشی تحریک فکر مطرح شود، یک پیشنهاد مستحبی و قابل عدول نیست؛ وجوب عمل به این پیشنهاد، وجوب مسئله تحریک فکر است. اگر شما تحریک فکر را از دست دهید، حاکمیت اسلام از دست خواهد رفت و شما مجبور می‌شوید که یا از مدل‌های جبری برای اداره جامعه خود استفاده کنید که این مدل‌ها ناپایا هستند و یا در نهایت شما به سمت انزوا میل پیدا خواهید کرد. بنابراین بحث تحریک و عاء فکر مخاطب یک امر محوری برای تمدن سازی و اداره جامعه است و نمی‌توان از آن به راحتی عبور کرد.

در سالهای اخیر، بنده در جلسات مختلف به صورت مکرر عرض کرده‌ام که آیت الله خامنه‌ای برای اسلامی اداره کردن جامعه ایران دو پروژه مهم را در مسئله تحریک فکر جامعه ایران مدیریت کردند که ثمره آن امروز افزایش وحدت و رشد مردم شده است؛ یک پروژه به فتنه سال ۱۳۸۸^۴ مربوط می‌شود که در آنجا ایشان به جای اینکه مدیریت بحران به معنای مصطلح آن را

۴- پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در شرایطی که هنوز صندوق‌های رأی باز و شمارش نشده بود دو تن از کاندیدای ریاست جمهوری به سخنرانی پرداختند و خود را پیروز قطعی انتخابات اعلام کردند. همین داوری کورکورانه و زود هنگام باعث شد که دشمنان قسم خورده این مملکت و دشمنان دیرینه اسلام خیابان‌های پایتخت را به صحنه درگیری تبدیل کنند و در همین بین سران فتنه نیز آشوبگران را بیش از پیش تحریک می‌کردند. اما سرانجام اتفاقی بزرگ رخ داد؛ اتفاقی که برای همیشه جریان حق را از باطل جدا کرد و آن، شادی و کف و سوت توسط آشوبگران، آن هم نه در یک روز معمولی بلکه در روز عاشورای حسینی علیه السلام بود. سرانجام مردم شریف ایران در روز ۹ دی ۱۳۸۸ پس از مدتی صبوری به خیابان‌ها آمدند و قاتله را ختم به خیر کردند.

انجام دهند، بصیرت افزایی کردند و سعی کردند که مردم را وادار کنند به این ادعا که «در انتخابات تقلب شده است.» فکر کنند و اطراف قضیه را ببینند و شواهد قضیه را تجزیه و تحلیل کنند. استراتژی ایشان که یک استراتژی فقهی بود و حتماً بر مبنای مدل‌های مدیریت بحران امروزی نبود، منجر شد که در نهم دی سال ۱۳۹۸ جمعیت زیادی از مردم متوجه این بشوند که «انتخابات بهانه بود و اصل انقلاب و نظام نشانه بود.» و واقعاً نسبت به این مسئله درک ایجاد شد. بعد از انتخاب جناب آقای روحانی در انتخابات دور بعد با آن فاصله رأی اندک برای منصفین این اطمینان خاطر ایجاد شد که نظام رأی مردم را حق الناس می‌داند و در آن دخالت نمی‌کند. حالا شما این مدل را با کودتایی که در سالهای اخیر در کشور ترکیه اتفاق افتاد^۵، مقایسه کنید و ببینید که در آن حزب حاکم چطور در مقابل یک چالش و بحران سیاسی ورود پیدا کرد و چه تدابیری را مبنا قرار داد. این نمونه‌ای از آثار و کارآمدی‌های مسئله‌تحریک فکر مخاطب است که می‌تواند خیلی از حوادث سیاسی، اجتماعی، روانی و فکری را مدیریت کند.

داستان دومی که می‌توان به آن استناد کرد و به عنوان یک مطالعه اجتماعی به آن پرداخت، برخورد ایشان با شعار «رابطه با آمریکا همه مشکلات را حل می‌کند.» به هر حال حدود دو دهه نویسندگانی نوشتند و گویندگانی گفتند که اگر ما مسئله تنش زدایی را در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دهیم و رابطه خودمان را با کدخدا بهینه کنیم، می‌توانیم مشکلات اقتصادی ملت ایران را حل کنیم.^۶ در این تحلیل غلط و گزاره غیرواقعی نیز ایشان بر مبنای تحریک فکر مخاطب عمل کردند؛ یعنی اجازه دادند که این نظریه غلط در یک محیط تست عملیاتی شود ولی در بخش تعریف این نظریه دائماً از روز اول تردیدهای منطقی ایجاد کردند و نپذیرفتند که این گزاره، گزاره صحیحی است. الان شش سال است که از تلفیق این دو گزاره می‌گذرد؛ یعنی هم یک محیط عملیاتی تجربی برای یک نظریه غلط توسط ایشان فراهم شده و هم یک فضای گفتمانی استدلالی علیه پایه‌های این نظریه در کشور شکل گرفته است، تقریباً اکثریت ملت ایران به غلط بودن این گزاره پی برده‌اند و این مبنای خیر و برکت برای آینده نظام جمهوری اسلامی است. لذا وقتی عرض می‌کنیم که باید مسئله تحریک فکر مخاطب باید مبنای اداره جامعه قرار گیرد، در بخش قابل توجهی از حیات نظام جمهوری اسلامی تجربه‌هایی دارد. شما می‌توانید در دوره حیات امام خمینی عظیم‌الشان علیه السلام هم تجربه‌هایی را در این مسئله ردیابی و تحلیل کنید.

عرض ما این است که این مبنای تجربه‌شده انقلاب اسلامی، قابلیت تئوریزه‌شدن و تعمیم هم دارد؛ نباید این کار مبارک را به مقام ولی فقیه و مقام امامت جامعه محدود دانست بلکه مسئولین ما در سایر سطوح هم می‌توانند به جای اینکه «(ابلاغیه‌محور)

برگرفته از سایت باشگاه خبرنگاران جوان: yon.ir/7EQ3u

۵- به گزارش گروه فیلم و صوت باشگاه خبرنگاران جوان؛ منابع خبری بامداد شنبه از کودتای نظامی در ترکیه خبر دادند و طی آن فرودگاه آتاتورک و تلویزیون دولتی این کشور ابتدا به تسخیر عوامل کودتا درآمد، اما توسط معترضان مردمی پس گرفته شد.

آدرس مطلب در سایت باشگاه خبرنگاران جوان: yon.ir/FuZdK

۶- در کتاب «زندگی و زمانه اکبر هاشمی رفسنجانی» آمده که مرحوم هاشمی رفسنجانی در مورد زمان ریاست جمهوری خود می‌گوید: «آقای روحانی، مشاور من و رئیس شورای عالی امنیت ملی بود. نظر او هم مثل من است که ما باید مسئله‌مان را با آمریکا حل کنیم. آقای روحانی برای منافع و ضررهای این کار دو ستون درست کرده بود. من بر آن اساس و نظر، و ضمن این که خودم هم نظراتی داشتم و اضافه کردم، رفتم و با آقا صحبت کردم.»

خبرگزاری ایسنا: yon.ir/TLoiZ

همچنین مرحوم هاشمی رفسنجانی قریب به ۲۰ سال پس از دوران ریاست جمهوری در توییت خود نوشت: «دنیای فردا، دنیای گفتمان‌هاست نه موشک‌ها.»

پایگاه خبری جماران: yon.ir/6XRnR

و دکتر حسن روحانی نیز پس گذشت نزدیک به ۲۰ سال در مصاحبه با شبکه CNN می‌گوید: «راه حل اصلی مذاکرات است و باید با هم بنشینیم و مذاکره کنیم و مسئله را به حل و فصل نهایی برسانیم.»

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/RztV5

و «دستورالعمل محور» حرکت کنند، «هدایت بنیان» حرکت کنند و تحریک وعاء فکر مخاطبشان را مبنا قرار دهند. این بحثی است که ما در چرخه چهاربخشی تحریک فکر به آن پرداختیم؛ یعنی سعی کردیم یک بسته فقهی پر و پیمان فقهی آماده کنیم که ما معتقدیم اگر کسی به این بسته فکری فقهی مسلط شود، می تواند وعاء فکر مخاطب خود را تحریک کند و اگر کسی توانست وعاء فکر مخاطب خود را تحریک کند، در واقع ضمانت اجرایی برای ایده خودش پیدا کرده است. پس این مسئله همان طور که عرض کردم یک تأکید ساده نیست. بنده فکر می کنم اگر در مقام آسیب شناسی انقلاب قرار بگیریم، منشأ بسیاری از مشکلات چهار دهه گذشته این است که وقتی بعضی از مسئولین ما در مسند قرار گرفتند، توجه نکردند که یک مسند و منزلت برتر، یک ابزار برتر برای تحریک فکر مخاطب است و به جای اینکه این مسیر نورانی پیامبران را ادامه دهند و رشد عمومی درس مسئله عقل و تفکر ایجاد کنند، به سمت این رفتند که ابلاغ و دستور دادند و حتی بعضی وقتها مشاهده شد که در برخی دولت ها و مجلس ها حتی نتوانستند با خودشان تفاهم کنند تا چه برسد با مردم به نحو عمومی تفاهم کنند! خیلی از ناکارآمدی ها به این مسئله باز می گردد و الآن من وقت شکافتن تفصیلی این مسئله را ندارم؛ بنابراین بنده دارم در چله دوم انقلاب اسلامی یک آسیب شناسی کلان را از چله اول انقلاب اسلامی در مرآ و منظر دوستان قرار می دهم که ما می توانیم آسیب ها و مشکلات فعلی جبهه حق را به محوریت همین مسئله «عدم تحریک فکر مخاطب» بحث و گفتگو کنیم؛ این خیلی مسئله مهمی است.

اگر دوستان به بنده مناقشه نکنند و شرح صدر نشان دهند، من می خواهم به صراحت عرض کنم یکی از علت هایی که ما نمی توانیم تحریک فکر عمومی را پیش ببریم، همین ضعف های فلسفی و منطقی ماست. اگرچه فلسفه و منطق ادعا می کنند مبنایشان تعقل و تفکر است ولی به دلیل قواعد ضعیفی که در حوزه فلسفی و منطقی ما وجود دارد، ما اصلاً نمی توانیم مسئله تحریک فکر را به نحو عمومی دنبال کنیم؛ بله اگر شما شاگرد یک عالمی باشید، می توانید ده یا بیست سال در سر درس او بنشینید و یک نظام فلسفی در ذهنتان ایجاد کنید ولی اینکه بتوانیم تحریک فکر در مخاطب خود را در حد یک نظام و جامعه محقق کنیم، حتماً با اسفار^۷ و فصوص الحکم^۸ و فلسفه صدرایی نمی توان این کار را کرد! در کلامی بالاتر با ماهیت فلسفه نمی توان «تحریک فکر عمومی» را ایجاد کرد. البته من نمی خواهم الآن به این موضوع پردازم ولی خواستم آسیب شناسی خودم را با شجاعت و صراحت مطرح کنم؛ من فکر می کنم اگر فقه را از معنای «مُعَدَّر و مُنَجَّر»^۹ به تعریفی که مثلاً ما در «فقه هدایت» مطرح کردیم، ارتقا دهیم در این صورت با ابزار آیات و روایات می توان تحریک فکر عمومی را صدها برابر بالاتر از آنچه در «الهیات بالمعنی الاخص فلسفی»^{۱۰} مطرح شده، انجام داد. ان شاء الله باید بعداً در این بار مباحثه کنیم.

۷- «الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الاربعة» نام کتابی فلسفی نوشته صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی معروف به ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۴۵) از کتب مشهور در حوزه فلسفه و عرفان است. این کتاب در سطوح بالای حوزه و دانشگاه تدریس می شود.

۸- «فصوص الحکم» نوشته محیی الدین ابن عربی (۵۳۰-۶۳۸) از عارفان مشهور است. این کتاب به عقیده برخی برترین مکتوب در حوزه عرفان نظری است.

۹- حجت اصولی عبارت از هر چیزی است که متعلق خود را به حسب جعل شرعی اثبات کند. به بیان دیگر هرگاه مکلف به چنین حجتی عمل کند و عمل او با واقع مطابقت نکند، میتواند بهوسیله آن بر مولی احتجاج کند، و خود را در عمل به آن معذور بداند اگر برطبق آن عمل نکند و در نتیجه واقع از او فوت شده باشد، مولی میتواند بدان وسیله احتجاج کرده، و او را درخور کیفر بداند. (معدریّت و منجریّت)

فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۶۱ و ۱۶۲

۱۰- در اصطلاح حکمای اسلامی مسائل مربوط به خداوند از قبیل اثبات وجود خدا، وحدت وی، صفات ثبوتیه و سلبیه ی او، عموم و شمول قدرت و مشیتش، جبر و تفویض، خیر و شر، صدور کثیر از واحد، عوالم کلی وجود و برخی مباحث و مسائل دیگر «الهیات بالمعنی الاخص» نامیده می شود.

مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۵، ص ۴۶۸

حال اینجا یک بحثی به وجود می‌آید که اگر ما خواستیم تحریک فکر را به صورت فقهی جلو ببریم، چه کاری باید بکنیم؟ ما مبتنی بر استظهار از آیات و روایات مطرح کردیم اگر یک فقیه و طلبه، چهار نوع مدیریت انجام دهد، وعاء فکر مخاطبش تحریک خواهد شد.

بخش اول کاری که باید انجام دهد، «مدیریت خبر» است. بسیاری از نخبگان در دانشگاه‌ها و مساجد و حتی در حوزه‌های علمیه ما وجود دارند که خبر ندارند یک اتفاقات فقهی خوبی در حوزه علمیه قم رخ داده است. وقتی آن‌ها خبر ندارند، شما چه طور انتظار دارید آن‌ها بتوانند این دیدگاه‌ها را بررسی کنند؟! ما فکر می‌کنیم گام اول تحریک وعاء فکر مخاطب، مسئله مدیریت خبر است. البته مخالف مدیریت خبر با ابزار رسانه هستیم. حتماً باید یک الگوی خاص مدیریت خبر وجود داشته باشد که ما ذیل بحث الگوی تنظیم و تحلیل خبر، این نحوه مدیریت خبر را بحث می‌کنیم. آن قدری که من مطالعه و گفتگو با دوستان کردم، یکی آسیب‌های مراکز فکری و فقهی حوزه علمیه قم را همین می‌دانم. شاید بعضی از این مراکز باشند که مؤسسه کناردستی‌شان هم خبر نداشته باشد که آن‌ها در حال کار بر روی چه مسئله‌ای هستند. اگر این خبر مدیریت نشود، احتمالاً یک مرکز آکادمیک غربی که از طریق ساختارهایی مثل انتشارات و رسانه و برخی دیگر از ساختارهایشان می‌توانند آخرین دیدگاه‌های غرب را در ایران ترجمه کرده و در اختیار دانشجویان ما قرار دهند! در این صورت آن‌ها هستند که مدیریت فکر کشور را برعهده گرفته‌اند.

من شنیدم که در بعضی از دانشگاه‌های ایران یک دوره مباحثاتی بر روی آرا و آثار فلاسفه آلمانی اخیر، شروع شده است.^{۱۱} اگر این خبر را به اهل فن بدهید، او خواهد گفت در یک یا دو دهه آینده ما چالش‌هایی را علیه هویت و فقه شیعی به محوریت این نگاه‌های فلسفی خواهیم داشت. فاصله ما از شهر قم تا تهران در حدود ۱۵۰ کیلومتر است ولی جمعیت‌هایی از آن طرف مرزهای کشور ما به نخبگان و دانشجویان ما فکر تزریق می‌کنند و دوره‌های مباحثاتی آن را راه می‌اندازند. اگر این معنای مدیریت خبر زنده شود، ممکن است ما بتوانیم قبل از اینکه یک تفکر فلسفی تثبیت شود، با محوریت سؤالاتی برای آن تفکر فلسفی چالش ایجاد کنیم که الآن این موجود نیست. پس مسئله مدیریت خبر گام اول چرخه چهاربخشی تحریک فکر است. راجع به نظریه آموزش و پرورش آینده هم همین‌طور است. مثلاً ما حدود یک سال است که راجع به آن مدیریت خبر انجام می‌دهیم و سعی می‌کنیم خبر این که چنین نظریه‌ای در قم هست را به اطلاع مخاطبین نخبه و اهل آموزش و پرورش برسانیم.

گام دوم چرخه چهاربخشی تحریک فکر، مدیریت تضارب هست. فرضاً خبر شما منتشر شده است، حال در گام دوم باید با کسانی که علاقه‌مند هستند وارد فضای مدیریت تضارب شوید. مدیریت تضارب با جدال‌های بی‌قاعده و گفتگوها و گعده‌هایی که همه ما می‌شناسیم و آفت‌های آن را درک می‌کنیم، متفاوت است! تضارب در دین قواعدی دارد؛ مهم‌ترین قواعد تضارب، تقدّم حسن الاستماع بر تضارب است؛ یعنی تضاربی که در روایات بحث شده^{۱۲}، سوار بر مسئله «حَسَنُ الْإِسْتِمَاعِ» است. در مسئله حسن الاستماع و تفاوت آن با استماع، اصل انصات مطرح است؛ یعنی کسی که در مقام استماع یک بحث

۱۱- برای مثال می‌توان به سلسله نشست زیر اشاره کرد که در دانشگاه تهران برگزار شده است:

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «جایگاه انسان در فلسفه کانت» در ادامه سلسله نشست‌های مطالعات غرب با رویکردی ایرانی برگزار می‌شود. سخنران این نشست شهین اعوانی، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است.

خبرگزاری مهر: yon.ir/vltoc

۱۲- قال علی عليه السلام: إضربوا بعض الرأي ببعض يتولد منه الصواب.

امام علی علیه السلام فرمودند: رایزنی کنید تا اندیشه درست متولد شود.

بر می‌آید، دو حالت برای او پیدا می‌شود. ۱- اطلاعات درونی خود را موقتاً صفر فرض می‌کند. در این صورت بافت گفتگو یک شکلی پیدا می‌کند. ۲- در دو امر از اطلاعات خود برای ایجاد چالش برای نظریه‌ای که هنوز فرصت استماعش منقضی نشده، استفاده می‌کند؛ بنابراین بافت جلسه به سمت جدال و عدم تفاهم میل پیدا می‌کند؛ بنابراین مهم‌ترین شرط مدیریت تضارب، تأکید بر تقدّم حسن الاستماع بر مسئله تضارب است. در مسئله حسن الاستماع نیز آنچه که استماع را حَسَن می‌کند، اولاً و بالذات مسئله «انصات» است. البته شروط دیگری هم هست که باید به صورت تفصیلی راجع به آن بحث کنیم.

بخش سوم چرخه تحریک فکر، مسئله مدیریت کتابت است. حتماً اگر شما می‌خواهید علم را گسترش دهید، باید کتابت را بپذیرید. در روایت هست که «الْقَلْبُ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكِتَابَةِ»^{۱۳}. طلبه‌ها این حدیث را به دو صورت معنا می‌کنند. معنای اولی که از این حدیث ارائه می‌کنند این است که می‌گویند قلب محلی برای آرامش است. وقتی کلمه قلب در روایات گفته می‌شود، بعضی از آن تنها این استفاده را می‌کنند که مراد از قلب در اینجا آرامش و سکینه است. مبتنی بر این استظهار ناقص، معنای روایت این می‌شود که اگر شما کتابت کردید، نسبت به یک فکر آرامش پیدا می‌کنید. چون کتابت ابزاری می‌شود که شما به صورت دقیق‌تری یک رأی را بررسی کنید و وقتی یک شخصی یک رأی را دقیق‌تر بررسی کند، حالت قلبی او نسبت به آن رأی و نظریه ارتقا پیدا کرده و آرام می‌شود.

برداشت دوم از روایت که شاید دقیق‌تر از این استظهار اول باشد، این است که ما بگوییم در فقه اسلامی و آیات و روایات، محل اصلی فهم، قلب انسان است و نه ذهن انسان. قرآن می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»^{۱۴} یعنی منافقین دارای قلب‌هایی هستند که در آن قلب‌ها، فقه که به معنای فهم عمیق است، اتفاق نمی‌افتد. پس از استظهار این آیه معلوم می‌شود که قرآن شریف، قلب را محل فهم می‌داند. حال اگر این معنا را که دقیق‌تر است، قبول کردیم، معنای روایت طور معنا می‌شود که «الْقَلْبُ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكِتَابَةِ» یعنی «الفهم و الفقه يَتَكَلَّمَانِ عَلَى الْكِتَابَةِ» اگر شما ننویسید، فهم عمیق و فقه پیدا نمی‌کنید. در این معنایی که ما عرض می‌کنیم، جزو مناسک تفاهم اجتماعی، مسئله کتابت است. در آموزش و پرورش آینده بر مبنای همین مجموعه روایات کتابت، ما بخشی از مدل ارزیابی دانش‌آموزان و ارزیابی‌های تحصیلی را طراحی می‌کنیم؛ یعنی خود مسئله کتابت، ابزار ارزیابی است. هر چه قدر کتابت دقیق‌تر و فنی‌تر اتفاق بیافتد، شما می‌توانید از نوع کتابت این را جمع‌بندی کنید که دانش‌آموز و فرزند شما ارتقای بیشتری پیدا کرده است؛ بنابراین مسئله مدیریت کتابت هم جزو ابزار تحریک فکر است؛ البته شرحی که الآن عرض کردم ناقص بود و بعداً آن را برایتان تکمیل خواهیم کرد.

در نهایت بخش آخر چرخه تحریک فکر، مسئله نمونه‌سازی است. نمونه‌سازی یک ترجمه امروزی از کلمه «عمل» یا «عمل صالحی» است که در روایات ما راجع به آن بحث شده است. اگر راجع به یک مسئله‌ای «فکر» و «فقه» اتفاق افتاده باشد، در

۱۳- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَنِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقَلْبُ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكِتَابَةِ. امام صادق علیه السلام فرمود: دل به نوشته اطمینان پیدا می‌کند.

الکافی، ج ۱، ص ۵۲

۱۴- وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَاغِلُونَ / سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۷۹

و مسلماً بسیاری از جتّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی‌یابند، و جسمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند، و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند اینانند که بی‌خبر و غافل [از معارف و آیات خدای] اند.

نهایت به «عمل فرد» تبدیل می‌شود. عمل فرد در حکم نمونه برای سایر انسان‌هاست. حال اگر قرار است یک نظریه‌ای اجرایی شود و وعاء فکر مخاطب خود را تحریک کند، باید نمونه عملیاتی هم داشته باشد. بسیاری از مردم را نمی‌توان با گفتگوهای نظری تحریک فکر کرد بلکه باید نمونه عملی یک دستگاه فکری را بر روی زمین به آن‌ها نشان داد تا خود آن‌ها آن را ارزیابی کرده و با نمونه‌های قبلی مقایسه می‌کنند. بنابراین باید حتماً مدیریت نمونه‌سازی هم داشته باشیم و خود مدیریت نمونه‌سازی هم یک قواعد درونی دارد که بعداً راجع به آن بحث می‌کنم. پس قسمت اول عرایض بنده به اتمام رسید.

خلاصه عرایض بنده این بود که ما به دنبال این هستیم که اگر خدای متعال تأیید بفرماید و توفیقاتش حاصل شود، نظریه آموزش و پرورش آینده را در یک دوره زمانی - شاید در حدود دو سال - در چرخه چهاربخشی تحریک فکر مطرح کنیم؛ یعنی دائماً درباره آن در کشور مدیریت خبر داشته باشیم، دائماً درباره آن تضارب و گفتگو داشته باشیم. دائماً مکتوباتی حول این نظریه در اختیار نخبگان قرار دهیم. در نهایت هم پیشنهاد ما این است که بتوانیم در چهل منطقه کشور این را به شرحی که در آینده بحث خواهیم کرد، نمونه‌سازی کنیم. پس این جلسه مربوط به بخش دوم از چرخه چهاربخشی تحریک فکر است که اگر ادامه پیدا کند تبدیل به یک تضارب جدی می‌شود و ان شاء الله ما بنا داریم این کار را انجام دهیم. من عرایضم را در اینجا پایان می‌دهم.

اگر دوستان فرمایشی دارند به معنایی که حسن الاستماع را شفاف‌تر بکند، بفرمایند تا استفاده کنیم. ان شاء الله در فرصت بعد بلافاصله الگوی تدوین نظریه آموزش و پرورش آینده را مطرح کنم تا بتوانیم یک گفتگوی تفصیلی درباره خود نظریه هم داشته باشیم.

و الحمد لله رب العالمین

همه نظریات بخشی مطرح در نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی، باید در فضای چرخه چهاربخشی تحریک فکر مطرح شوند. علت این پیشنهاد ما و این تاکید ما این است که ما در نهایت به دنبال اقامه یک نظریه و تحقق آن در جامعه هستیم و معتقدیم که اگر قرار باشد سرنوشت نظریه‌ای تحقق باشد، آن نظریه باید با افکار نخبگان و مردم درگیر شده و به یک موضوع مورد بحث و گفتگو تبدیل شود؛ یعنی اگر صاحبان یک نظریه به اصطلاح ما- نتوانند تحریک و عاء فکر مخاطبشان را محقق کنند و مخاطبین نتوانند به مسئله‌ای فکر کنند، در نهایت آن نظریه محقق نخواهد شد. بنابراین خط قرمز در فقه هدایت و نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی مسئله تحریک فکر است.

